

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

سوالات پیش از جلسه

بررسی استحقاق عقاب در «تجری»

در پاسخ به سوال یکی از فضلا پیرامون جایگاه بحث «تجری» در مباحث کنونی، باید عرض کرد که مستحضری بحث تجری، جایگاه مستقلی در علم اصول دارد. بزرگان علم اصول (رضوان الله علیهم) در مبحث «قطع»، در ابتدای جلد دوم کفایة الاصول، این بحث را به تفصیل مطرح می‌فرمایند. بنابراین، این بحث، مبحثی رها شده نیست که نیاز باشد اکنون برای آن جایی باز کنیم و ان شاء الله در موضع مقرر خود به تفصیل بررسی خواهد شد.

البته طرح این سوال، بی‌مناسبت با مباحث فعلی ما (پیرامون استحقاق عقاب) نیست. زیرا ما بحث استحقاق عقاب بر ترک واجب را مطرح کردیم و سوال این است که آیا بر «تجری» نیز استحقاق عقاب مترتب می‌شود؟ در تجری، نه فعل حرامی محقق شده و نه ترک واجبی صورت گرفته است (زیرا اگر چنین بود، دیگر به آن تجری اطلاق نمی‌شد). مثال: فرض کنید شخصی در انجام مقدمات حج اهمال ورزیده و علی‌رغم تذکرات، خود را آماده نکرده است. سپس اتفاقاً در آن سال، حج به دلیل مانعی (مثلاً یک بیماری فراگیر) برگزار نمی‌شود. در اینجا، این شخص مرتکب «ترک واجب» نشده است، زیرا قدرت بر امتثال نبوده است؛ اما او «تجری» نموده و بر مولا جرئت ورزیده که برای ثبت نام، مراجعه به کاروان و سایر مقدمات، اقدامی نکرده است.

پاسخ: بر اساس ترتب حرمت بر تجری و عدم آن

تجری خصوصیت خاصی ندارد. اگر ما در مباحث گذشته به استحقاق عقاب [بر ترک واجب] قائل شدیم، آیا در اینجا نیز قائل می‌شویم؟ طبیعتاً همان اختلافی که در آنجا وجود دارد، در اینجا نیز مطرح می‌شود. برخی از علما، تجری را حرام می‌دانند. در مقابل، برخی دیگر، از آنجا که آن را معصیت [اصطلاحی] نمی‌دانند (زیرا معصیت را دائرمدار مخالفت با تکلیف واقعی می‌دانند)، می‌فرمایند تجری، قبح فاعلی دارد، اما قبح فعلی ندارد. از نظر این گروه، حرمت، عقاب و استحقاق عقاب، دائرمدار حرمت و معصیت [فعلی] است، نه صرف قبح فاعلی.

نظر برگزیده ما در آن بحث (که در آینده خواهد آمد) این است که نمی‌توانیم قائل به حرمت [در تجری] شویم. زیرا آن استدلال قوی است که می‌فرماید حرمت، مربوط به ترک واجب یا فعل حرام است؛ و در تجری، نه واجبی ترک شده و نه حرامی انجام گرفته است (در اصطلاح حقوقی به آن «جرم عقیم» می‌گویند). این توضیحات صرفاً جهت تکمیل بحث ارائه شد و تفصیل آن، موکول به محل خود در مبحث قطع است.

ورود به بحث: ثواب و عقاب در واجب غیری

در اواخر درس گذشته، وارد بحث جدیدی شدیم. مباحث پیشین ما، اعم از استحقاق ثواب یا فضل، و از سوی دیگر، استحقاق عقاب و وجه آن، همگی ناظر به «واجب نفسی» بود. اما توجه دارید که ما در «واجب غیری» نیز داریم. سوال این است که وضعیت در واجب غیری چگونه است؟ آیا قائل می‌شویم که در واجب غیری، هیچ [ثواب و عقاب مستقلی] در کار نیست؟ نه استحقاق ثوابی (که البته دقیق‌تر است بگوییم: فضل) و نه عقابی.

بنابراین، اگر بخواهیم نزاع را صورت‌بندی کنیم، دو محور خواهیم داشت:

۱. تفضل به سبب امتثال واجب غیری، یا عدم تفضل به آن.

۲. استحقاق عقاب به سبب ترک واجب غیری، و در مقابل آن، عدم استحقاق عقاب.

باید در بررسی اقوال، دقت کرد که هر قولی بر کدام یک از این دو قسمت تمرکز دارد و دلیلی که اقامه می‌کند، کدام قسمت را پوشش می‌دهد.

نکته 1: ثمره معرفتی و فقهی بحث

این بحث، هرچند ممکن است ثمره فقهی مستقیمی نداشته باشد، اما قطعاً دارای ثمره معرفتی و کلامی است؛ همان‌طور که بحث واجب نفسی نیز چنین بود. البته تصور ثمره فقهی نیز برای آن ممکن است. مثلاً اگر قائل شدیم که ترک واجب غیری، استحقاق عقاب می‌آورد و ظلم به مولا محسوب می‌شود، ممکن است این امر به «عدالت» فرد لطمه بزند. زمانی که به عدالت خدشه وارد شد، دیگر نمی‌توان پشت سر او نماز خواند. مقصود این است که بحث، کاملاً فاقد ثمره فقهی نیست. به هر حال، این بحث جزو معارف دین است و باید بررسی شود.

نکته 2: تفکیک دقیق جهت نزاع

نکته دیگر، تفکیک دقیق جهت نزاع است. در این مسئله اقوالی وجود دارد که مطرح خواهیم کرد. ظاهراً هیچ‌کس منکر اصل امکان «تفضل» در امتثال واجب غیری نیست. اما مخالفان، مانند مرحوم آخوند، جهت این تفضل را «به ما هو واجب غیری» نمی‌دانند، بلکه آن را «برای واجب نفسی» می‌دانند. مرحوم آخوند نظرشان این است که واجب غیری هیچ [اثر مستقلاً] ندارد؛ نه تفضل و نه استحقاق عقاب. تمام آثار، مترتب بر واجب نفسی است. وقتی از ایشان سوال می‌شود که پس چرا برخی مقدمات ثواب دارد؟ می‌فرماید: نظر من این است که «به ما هو واجب غیری» ثوابی ندارد، اما «برای واجب نفسی»، ممکن است خداوند تفضل کند و ثواب بدهد.

پس اصل تفضل مورد انکار نیست؛ اما اینکه آیا این تفضل «به عنوان امتثال واجب غیری» است یا خیر، این، محل بحث است. مرحوم آخوند هر دو طرف بحث (ثواب و عقاب) را [با یک مبنا] پوشش می‌دهند و هر دو را از واجب غیری نفی می‌کنند. ثمره این تفکیک:

ثمره این اختلاف نیز روشن است. در جایی که کسی مقدمات را انجام داد اما موفق به [انجام] ذی‌المقدمه نشد. مثال: شخصی وضو گرفت تا به مسجد برود، اما مانعی پیش آمد و در خانه نماز خواند. یا برای حج، تمام مقدمات را فراهم کرد، اما آن سال موفق به رفتن نشد. طبق نظر مرحوم آخوند، [چون واجب غیری مستقلاً ثواب نداشت] اینجا دیگر ثوابی مترتب نیست (شاید ثواب انقیاد داشته باشد). اما طبق نظر دیگران، ممکن است قائل شویم که [همین مقدمات] مستقلاً ثواب دارد.

بررسی اقوال در مسئله ثواب و عقاب واجب غیری

حال به بررسی اقوال در این مسئله می‌پردازیم که آیا به تفضل و استحقاق عقاب در واجب غیری قائل شویم یا خیر؟ در این مسئله، حداقل پنج نظر قابل طرح است.

قول اول: نفی مطلق ثواب و عقاب (نظر مشهور و مرحوم آخوند)

نظر اول، همان نظر مرحوم آخوند است که منسوب به مشهور نیز می‌باشد. نظر مشهور این است که واجب غیری «هیچ» [اثر مستقلاً] ندارد و هر چه هست، مربوط به واجب نفسی است.

البته اگر واجب نفسی مقدمات زیادی داشته باشد، ثوابش بیشتر می‌شود؛ اما این «خود واجب نفسی» است که پرتواب‌تر می‌شود، زیرا «أشَقُّ الأعمال» و «أحمضُ الأعمال» می‌شود؛ نه اینکه مقدمات مستقلاً ثواب داشته باشند. تفضل، مربوط به خود آن عمل است.

دلیل قول اول:

دلیل ایشان آن است که ثواب و عقاب، دائرمدار «قرب» و «بُعد» است:

۱. در بخش ثواب: امتثال واجب غیری، «قرب» (نزدیکی به مولا) نمی‌آورد.

۲. در بخش عقاب: ترک واجب غیری نیز، «بُعد» (دوری از مولا) نمی‌آورد. اگر پاسخ داده شود که بُعد می‌آورد، چون منجر به ترک واجب نفسی می‌شود؛ پس معیار، همان خود واجب نفسی است.

و لذا اگر واجب غیری را ترک کرد (مثلاً برای حج آماده نشد) اما اتفاقاً آن سال حج به دلیلی تعطیل شد، هیچ استحقاق عقابی ندارد. (بحث تجری، عنوانی جداگانه است). اما «به عنوان ترک واجب غیری» مثلاً اینکه گذرنامه نگرفت یا ثبت نام حج نکرد، مستحق عقاب نیست.

قول دوم: اثبات مطلق ثواب و عقاب (مرحوم ایروانی)

نظر دوم، دقیقاً نقطه مقابل نظر مشهور است. این نظر، هم قائل به ثواب (تفضل) است و هم قائل به استحقاق عقاب.

این نظر متعلق به جناب محقق ایروانی (قدس سره) است. ایشان در کتاب خود، «نهایة النهایة فی شرح الکفایة»، این نظر را مطرح فرموده‌اند.

دلیل قول دوم:

دلیل مرحوم ایروانی (قدس سره) از دو بخش تشکیل شده است:

۱. در بخش ثواب: امر غیری، از این جهت که اطاعت و قرب به موافقت با آن حاصل می‌شود، تفاوتی با امر نفسی ندارد. به نظر شما، کسی که به محض شنیدن اذان، به سمت وضوخانه می‌شتابد، آیا موافقت با امر مولا نکرده است؟ این، «انفاذ امر مولا»، «انفاذ اراده مولا» و «ادای حق مولا» است. (اینها تعابیر خود ایشان است). مرحوم آخوند فرمود قرب حاصل نمی‌شود؛ مگر «قرب»، امر عجیب و غریبی است؟ با موافقت واجب غیری نیز قرب حاصل می‌شود. حال، چه موفق به انجام واجب نفسی بشود و چه نشود (مانند مثالی که حج تعطیل شد)، این آدم [با انجام مقدمات]، مقرب الی الله است.

۲. در بخش عقاب: اگر واجب غیری را ترک کند (مثلاً برای حج اقدام نکند)، آیا حق مولا را ترک کرده یا خیر؟ آیا از زی و لباس عبودیت خارج شده است یا خیر؟ پاسخ مثبت است. اگر این‌گونه است، پس استحقاق عقاب دارد. خود مرحوم آخوند معیار عقاب را «ما یوجب البعد» می‌دانستند؛ این [ترک] نیز مبعد است.

قول سوم: تفصیل بین امتثال و عصیان (شیخنا الاستاذ)

نظر سوم، قائل به تفصیل است. این نظر که از شیخنا الاستاذ (حضرت آیت‌الله وحید حفظه الله) نقل می‌شود، بین اتیان

مقدمات از باب امتثال، و ترک مقدمات از باب عصیان، تفصیل قائل می‌شوند:

۱. در بخش ثواب (امتثال): در این بخش، قائل به ثواب هستند. در برگه درسی - با استناد به تقریراتی که بنده در جلسه ایشان داشته‌ام - نوشته شده است: «فَيُثَابُّ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ حَيْثُ يُقْصَدُ كُلُّ مِنْهُمَا مُسْتَقْلًا عَنْ قَصْدِ الْآخَرِ». یعنی بر هر یک از مقدمات ثواب داده می‌شود، در صورتی که هر یک از مقدمات مستقلاً و جدا از دیگری، قصد شود. در مقام امتثال، مکلف هر مقدمه (مثل اخذ گذرنامه، ثبت نام کاروان، یادگیری احکام حج) را مستقلاً قصد می‌کند و به انجام می‌رساند. چون مقدمات به صورت جداگانه قصد و انجام می‌شود، بر همه آنها ثواب مترتب است.

۲. در بخش عقاب (ترک): اما در ترک مقدمات، [در حالت عادی] این‌گونه نیست. «فَلَا عُقُوبَةَ حَيْثُ لَا يَقَعُ تَرْكُهَا تَحْتَ الْقَصْدِ مُنْفَرِدًا كُلُّ وَاحِدٍ عَنِ الْآخَرِ». یعنی معمولاً عقوبتی بر ترک تک‌تک مقدمات نیست، زیرا ترک آنها به صورت منفرد و جداگانه، تحت قصد مکلف واقع نمی‌شود. در مقام ترک، این‌گونه نیست که فرد، ترک تک‌تک مقدمات را قصد کند. او یک قصد واحد بیشتر ندارد و آن اینکه: «من امسال حج نمی‌روم» و دیگر اقدامی نمی‌کند. در مقام امتثال، چون باید هر مقدمه را به وقوع بپیوندد، ناچار است تک‌تک آنها را تصور و قصد کند. اما در «ترک»، معمولاً این‌گونه نیست. چون قصد مستقلاً بر ترک هر مقدمه ندارد، عقاب [متعدد] نیز ندارد و عقاب، متعلق به همان ترک واجب نفسی (ذی‌المقدمه) است.

استثناء قول سوم:

بله، یک استثناء وجود دارد: «نَعَمْ، لَوْ وَقَعَ تَرْكُهَا تَحْتَ الْقَصْدِ نَذَهَبُ إِلَى الْعِقَابِ بِتَرْكِ الْمُقَدِّمَاتِ وَ تَعَدُّدِهِ». یعنی اگر فردی بنشیند و تک‌تک مقدمات را بشمارد و نسبت به هر کدام مستقلاً قصد ترک نماید (این را انجام نمی‌دهم، آن را هم انجام نمی‌دهم)، در این صورت اشکال ندارد و قائل به تعدد عقاب می‌شویم.

قول چهارم: تفصیل بین ثواب و عقاب (مرحوم خویی)

قول چهارم نیز تفصیل است، اما نه با پیچیدگی قول سوم! مرحوم آیت‌الله خویی (قدس سره) در کتاب «محاضرات»، قائل به

استحقاق ثواب هستند، اما استحقاق عقاب را نمی‌پذیرند.

ایشان استحقاق ثواب را (احتمالاً بر اساس ادله مرحوم ایروانی) می‌پذیرند، اما عقاب را نمی‌پذیرند. دلیل ایشان بر نفی عقاب این

است که اگر قائل به عقاب بر [ترک] واجب غیری شویم، لازمه آن تعدد عقاب بر ترک هر مقدمه است؛ امری که به ادعای ایشان، احدی به آن ملتزم نشده است.

تفاوت این قول با قول سوم (شیخنا الاستاذ) در آن است که قول سوم، محور تفصیل را «قصد مستقل» قرار داد، اما این قول، [بدون توجه به آن تفصیل در قصد]، عقاب را مطلقاً نفی می‌کند.

قول پنجم: تفصیل بین مقدمات اصلی و تبعی (میرزای قمی)

و در نهایت، قول پنجم، نظری است که به میرزای قمی (صاحب قوانین) نسبت داده شده است. (این نقل از مرحوم نائینی است).

ایشان نیز قائل به تفصیل هستند؛ اما تفصیل بین اینکه واجب غیری «اصلی» باشد (یعنی مدلول خطاب مستقل باشد) یا «تبعی» باشد (و مدلول خطاب مستقل نباشد).

سوال پیش می‌آید که اگر «غیری» است، چگونه «اصلی» باشد؟ پاسخ این است که ما تقسیم دیگری در آینده به نام «واجب اصلی و تبعی» خواهیم خواند. گویی ایشان می‌خواهد بفرماید برخی واجبات غیری، خودشان اصالت دارند و مورد عنایت [دلیلی] مستقل شارع بوده‌اند، مانند وضو و طهارات ثلاث. اگر واجب غیری از این نوع (اصلی) باشد، ثواب [و عقاب] دارد. اما اگر «تبعی» باشد، یعنی مدلول دلیل مستقل نباشد (مانند مقدمات فراوان نماز از قبیل آستین بالا زدن، رفتن به سوی دستشویی، پیدا کردن مهر، پرسیدن قبله و...)، اینها چون مدلول خطاب مستقل نیستند، نه امتثالشان مستقلاً ثواب دارد و نه ترکشان مستقلاً عقاب.

ان شاء الله فردا به بررسی همین پنج دیدگاه خواهیم پرداخت.

الحمد لله رب العالمین